

پادشاهی بهرام بهرامیان

بخش ۱ - پادشاهی بهرام بهرامیان چهار ماه بود



ویک‌شاهنامه

متن شاهنامه (بر اساس نسخه مسکو) اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی

دفتر پنجم

بیست از پی داد و بخشش میان	چو بنشست بهرام بهرامیان
همی نام کرمان شهش خواندند	به تاجش زبرجد بر افشاندند
خرد بادمان بهره و داد و رای	چنین گفت کز دادگر يك خدای
ترا نیکوی باد فریاد رس	سرای سپنجی نماند به کس
به داد و دهش دل گروگان کنیم	به نیکی گراییم و فرمان کنیم
بماند تو جز تخم نیکی مکار	که خوبی و زشتی ز ما یادگار
برو زار بگریست تخت و کلاه	چو شد پادشاهیش بر چار ماه
پیش مردم آزر بشمرد	زمانه برین سان همی بگذرد
چو شد سال گوینده بر شست و سه	می لعل پیش آور ای روزبه
نهنگی کجا بشکرد پیل و کرگ	چو بهرام دانست کامدش مرگ
که با مهتران آفرین باد جفت	جهان را بفرزند بسپرد و گفت
مکن روز بر تاج و بر تخت دخش	بنوش و بیاز و بناز و بیخش
به نرسی سپرد آن زمان تاج و تخت	چو برگشت بهرام را روز و بخت
گزاف فلک هر زمان تازه دان	چنین است و این را بی‌اندازه دان
ز دل زنگ و زنگار شویم همی	کنون کار نرسی بگویم همی